درس ٤١

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) نامه اول یوحنا

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول یوحنا ۱- ۳) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: والدین مسیحی

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: محبت توسط تأدیب - امثال ۱۳: ۲٤

٤	تعلیم (۸۵ دقیقه) طلاق و ازدواج مجدد

مقدمه: این تعلیم در مورد طلاق و ازدواج مجدد است. تعلیم کتاب مقدس را در مورد طلاق بررسی خواهیم کرد. به مطالعه و بررسی لغت «زنا» خواهیم پرداخت و امکان ازدواج مجدد را برای شخصی که طلاق گرفته است، مورد ملاحظه قرار خواهیم داد.
به خاطر گناهکار بودن و تباهی انسانها، خدا به سه دلیل طلاق را مجاز شمرد: به دلیل فساد جنسی، فساد روحانی یا زنای مذهبی، و ناسازگاری روحانی (عدم هماهنگی مناسب با شخصی که مسیحی نیست).

الف - <u>طلاق در عهد عتیق هم اجازه داده شده و هم نکوهش شده است.</u>

۱ - <u>قانون مدنی اسرائیل</u>

بخوانید: تثنیه ۲۲: ۱۳- ۱۹، ۲۸- ۲۹ ؛ ۲٤: ۱- ٤ ؛ متی ۱۹: ۸
کشف و گفتگو کنید: بعضی از قوانین عمومی‌اسرائیل در مورد فساد جنسی و طلاق چه بود؟
ملاحظات: این قوانین در کتاب تثنیه در واقع قسمتی از قوانین رایج یا مرسوم در اسرائیل و همچنین قوانین رایج سایر ملت‌هایی بود که اسرائیل را احاطه کرده بودند. اما روشی که این قوانین در قانون مدنی اسرائیل پذیرفته شده بود و در عهدعتیق ثبت شده، نشان می‌دهد که آنها از عناصر بت‌پرستی پالایش شده و اینکه با دقت و صحت و محبت بیشتری قوانینی شدند که می‌باید بر روابط اجتماعی قوم اسرائیل بعنوان قوم خدا حاکم باشد. اگر چه در دوران عهد عتیق در تمام دنیا مردها نسبت به زنان آزادی عمل بیشتری داشتند، و معمولاً زنان خود را « به هر علتی » (متی ۱۹: ۳) طلاق می‌دادند، این قوانین مدنی آزادی آنها را محدود می‌کرد.

الف) <u>ممنوعیت طلاق</u>
در تثنیه ۲۲ شوهری که به اشتباه زنش را متهم می‌کرد که به‌هنگام ازدواج باکره نبوده، می‌باید جریمه زیادی می‌پرداخت و از طلاق دادن او منع می‌گردید. و مردی که به دختری تجاوز می‌کرد، او نیز می‌باید جریمه زیادی می‌پرداخت، و مجبور بود با او ازدواج کند و از طلاق دادن او منع می‌گردید.

ب) ممنوعیت ازدواج مجدد
علاوه بر این، در تثنیه ۲٤: ۱- ٤ مردی که زنش را طلاق داده بود، در صورتی که او برای دومین بار زن مرد دیگری شده بود، از ازدواج مجدد با شوهر اول منع می‌گردید. دلیل این ممنوعیت ازدواج مجدد با او، نمی‌توانست « مراسم طهارت» وی باشد، چرا که بر اساس لاویان ۱۵: ۱۸ آن فقط تا شب بطول می‌انجامید. او دائم و برای همیشه ناپاک و نجس نمی‌بود، چرا که مرد دیگری مسلماً حق ازدواج مجدد با او را داشت. بنابراین دلیل چنین ممنوعیتی برای ازدواج مجدد طهارت اخلاقی بود: عمل شوهر اول در نظر خدا نفرت‌انگیز می‌بود و باعث آوردن گناه بر زمین می‌گردید. خدا به چنین عملی همچون تجاوز و زیر پا گذاشتن قداست روابط زناشوئی در کتاب‌مقدس نگاه می‌کند.
بر اساس سخن عیسی، موسی با طلاق موافق نبود، اما طلاق را اجازه داد، تا اینکه یک عمل شریرانه را که قبلاً در اسرائیل وجود داشت، مهار کند. تثنیه ۲٤: ۱- ٤ به عنوان یک معیار، مسلماً باعث عدم تشویق برای طلاق می‌گردد.

۲ - تفسیرهای سنتی از این قانون مدنی بوسیله یهودیان در زمان عیسی

بخوانید: تثنیه ۲٤: ۱
سوال کنید: تفسیرهای سنتی در مورد قانون مدنی اسرائیل در مورد طلاق، در زمان عیسی چه بود؟
تعلیم دهید: تثنیه ۲٤: ۱ و ٤ می‌فرماید: «چون کسی زنی گرفته، به نکاح خود درآورد، اگر در نظر او پسند نیاید از این که چیزی ناشایسته در او بیابد، آنگاه طلاق نامه ای نوشته، بدستش بدهد، و او را از خانه اش رها کند ... شوهر اول که او را رها کرده بود، نمی‌تواند دوباره او را به نکاح خود درآورد». کاتبان و فریسیان در اسرائیل همیشه در مورد دلایل ممکنه برای طلاق مناظره و بحث می‌کردند. دو مکتب مهم در بین یهودیان دیدگاههای بسیار متفاوتی در مورد معنای کلمات «چیزی ناشایسته» داشتند.

الف) مکتب هیلل (Hillel)
بر اساس مکتب هیلل معنی «چیزی ناشایسته» یا «هر چیز دفع کننده و بیزار کننده برای شوهر» یا «هر چیز خوشایند برای شوهر» بود (متی ۱۹: ۳). این مکتب طلاق را تقریباً به هر دلیلی اجازه می‌داد. اگر همسر نقص جسمی‌کوچکی داشت یا زشت بود و مرد متوجه زن زیباتری می‌شد، می‌توانست او را طلاق دهد. این مکتب طلاق را به غیر موجه‌ترین دلایل مجاز می‌شمرد. برای مثال اگر زنی بطور اتفاقی غذایی سوخته به شوهر خود می‌داد، شوهر می‌توانست زنش را از خود براند؛ یا می‌توانست او را در صورتی که آنقدر بلند صحبت کند که همسایه بتواند صدای او را بشنود، طلاق دهد.

ب) مکتب شمّای (Shammai)
بر اساس تعلیم مکتب شمای، «معنی چیزی ناشایسته» محدود به انحراف اخلاقی، هرزگی، بی عفتی و زنا می‌گردید. «هرزگی» به این معناست که شخص فقط خود را به دست احساسات بسپارد و نه به دست عقل یا روح و در مورد لذت جنسی به خود سخت نگیرد. «بی‌عفتی» به معنای از دست دادن بکارت قبل از ازدواج است. « زنا» عبارت است از رابطه جنسی با شخص دیگر به غیر از همسر. عیسی اساساً با مکتب شمای موافق بود.

۳ - معنی « چیز ناشایسته» در عهدعتیق

کشف و گفتگو کنید: بر اساس قانون مدنی متداول در مورد طلاق که موسی آن را ثبت نمود، به چه دلیل عهد عتیق طلاق را مجاز شمرده است.

الف) طلاق نه فقط به هر دلیل غیرموجهی و همچنین نه فقط به دلیل زنا
بخوانید: تثنیه ۲۲: ۲۰- ۲۷
ملاحظات: قانون رایج اسرائیل قید می‌کرد که مرد می‌تواند زن خود را وقتی « چیزی ناشایسته در او بیابد » طلاق دهد (تثنیه ۲٤: ۱). اصطلاح «چیزی ناشایسته» می‌تواند در درجه اول به زنا اشاره‌ای نداشته باشد، چرا که شخص زناکار باید کشته می‌شد (لاویان ۲۰: ۱۰) نه اینکه فقط طلاق داده می‌شد.
بعضی از مفسرین معتقدند این اصطلاح اشاره‌ای به بعضی بیماریها، شبیه کهیر (اگزما) یا یک نقص جسمی می‌کند. اما این به احتمال زیاد اشاره به خصوصیت یا رفتار بیزار کننده یا دفع کننده همسر می‌کند. بنابراین، امری به مراتب مهم‌تر از دلایل غیرموجه مکتب هیلل بود و از طرف دیگر امری بود که به وخامت زنا نیز نبود.

ب) طلاق به دلیل گزارش برهنگی
بخوانید: تثنیه ۲٤: ۱
ملاحظات: به دلیل اینکه معنی تحت‌اللفظی عبارت «چیزی ناشایسته»، «گزارش برهنگی» می‌باشد، بهترین معنا احتمالاً موضوعی قبیح (منافی عفت، ناشایسته)، رفتار جنسی زننده، از قبیل شهوت‌رانی، جلف بودن و رفتار قبیح، پرهیز نکردن از رفتار منافی عفت می‌باشد.

نتیجه این است که عهد عتیق طلاق را به دلیل هر نوع رفتار ناشایسته (قبیح) که در ارتباط با برهنگی یا رابطه جنسی می‌باشد مجاز می شمرد. بنابراین، معنی آن نزدیک به تعلیم عیسی در عهد جدید می‌باشد، با این تفاوت که عیسی صحبت از رفتار جنسی ناشایسته (قبیح) فقط در ارتباط با زنها نمی‌نماید، بلکه در ارتباط با مردها نیز.

٤ - ازدواج و طلاق در عهد عتیق

بخوانید: ملاکی ۲: ۱۰- ۱٦
کشف و گفتگو کنید: براساس نوشته ملاکی نبی خدا به موضوع ازدواج و طلاق چگونه نگاه می‌کند؟
ملاحظات: مسلماً طلاق در عهدعتیق یک امر طبیعی در نظر گرفته نمی‌شد. خدا از طلاق متنفر است.
او نه تنها رفتار غیر اخلاقی پاره‌ای از زنها را بلکه همچنین رفتار غیر اخلاقی پاره‌ای از شوهرها را نیز در اسرائیل محکوم می‌نماید.

الف) ازدواج غیر قانونی
در میان قوم اسرائیل بعضی از مردان مجرد عهد خدا را می‌شکستند و با زنانی که به خدایان بیگانه ایمان داشتند، ازدواج می‌کردند. در نتیجه باعث بی‌حرمت کردن مکان (مقدس) می‌شدند که منظور معبد نیست، بلکه اسرائیل به عنوان قوم مقدس خدا و جماعت مقدس خدا. مجازات و تنبیه چنین اشخاص سازشگر این بود که نسل مذکر آنها از شهروندی قوم اسرائیل محروم می‌شدند. آنها اجازه نداشتند که به‌عنوان سخنگو یا شاهد در تجارت و محاکمات قانونی عمل کنند. همچنین از آوردن قربانی به معبد محروم می‌شدند.

ب) طلاق غیر قانونی
در میان قوم اسرائیل بعضی از مردان متأهل عهد و پیمان ازدواج با همسرانشان را شکسته، آنها را طلاق می‌دادند یا طرد می‌کردند. از نظر کتاب مقدس وقتی مرد و زنی ازدواج میکنند، در حضور خدا می ایستند و خدا آنها را یک تن واحد میسازد (پیدایش ۲: ۲٤ ؛ متی ۱۹: ۳- ٦). خدا همچنین زمانی که شوهر به زن خود خیانت می‌کند و او را طلاق می‌دهد «شاهد» است. خدا همسر را «زوجه جوانی‌ات» «یار، شریک و دوست تو» و «زوجه هم عهد تو» می‌نامد. ملاکی نبی ازدواج را عهد می‌نامد و بدینسان، آن را امری مقدس و سنتی نقص نکردنی از طرف خدا اعلام می‌دارد (ملاکی۲: ۱٤).
«اسرائیل » نام اجتماعی از مردم بود که خدا آنها را برای خود از این دنیا جدا نموده بود.
خدای کتاب مقدس هم مرد و هم زن را جسم و روح آفرید. چرا که او «اولاد یا ذریت الهی » را طلب می‌کرد. چرا که هدف او بوجود آوردن یک « قوم مقدس خدا» در جهان بود، «اجتماعی مؤمن به خدای کتاب مقدس» در جهان (ملاکی ۲: ۱۵). خدا هشدار داد هر که به زنش خیانت کند و او را طرد نماید یا طلاق دهد، از هدف خدا برای ازدواج، خانواده و قوم او در جهان تخطی و تجاوز کرده است. خدا از طلاق متنفر است.خدا طلاق را یک جنایت خشونت‌آمیز، دقیقاً به همان وخامت یک قتل غیرعادلانه به حساب می‌آورد (ملاکی ۲: ۱٦).

پ) خدا از طلاق متنفر، اما نسبت به اشخاص توبه کار رحیم است.
خدا دقیقاً به همان صورتی که از دروغ و تدابیر شریرانه متنفر است، از طلاق نیز تنفر دارد (امثال ٦: ۱٦- ۱۹)، اما از واقعیت انسان سقوط کرده و دنیای تباه‌شده آگاه است. خدا نسبت به زناکار توبه‌کار رحیم و بخشنده است یعنی نسبت به مرد یا زنی که در طلاق مقصر است، اما بعداً توبه می‌کند. توجه کنید که چگونه داود پادشاه مرتکب زنا گردید (دوم سموئیل ۱۱) و چگونه توبه کرد (مزمور ۵۱: ۱- ۱۷) و اینکه چگونه خدا او را بخشید، گرچه عواقب و نتایج زنای خود را متحمل گردید (دوم سموئیل ۱۲: ۱۳- ۱٤). خدا نسبت به «زن بی‌کس» یعنی زنی که قبلاً مرتکب طلاق نادرست شده، اما بعداً توبه کرده و به خدا متمسک گردیده است، رحیم و مهربان می‌باشد.

ب - تعلیم عیسی مسیح در مورد طلاق

۱- دیدگاه عیسی در مورد ازدواج و طلاق چیست؟

بخوانید: متی ۱۹: ۳- ۹ ؛ اول قرنتیان ۷: ۱۰- ۱۱
کشف و گفتگو کنید: تفاوت نگرش و نحوه برخورد یهودیان در مورد ازدواج و طلاق با عیسی در چه چیزی است؟
ملاحظات:

الف) نه شیوه طلاق یهودیان، بلکه فرمان ازدواج از جانب خدا ، مهم است.
به دلیل بی‌قیدی اخلاقی در دوران زندگی عیسی بر روی زمین، کاتبان و فریسیان، بیشتر به فکر روش طلاق بودند تا فرمان ازدواج از جانب خدا. آنها بحث می‌کردند که وقتی شخصی زن خود را طلاق می‌دهد و او را بیرون می‌کند، می‌باید حداقل به او یک سند درست در مورد طلاق بدهد. آنها فکر می‌کردند که یک ورق کاغذ مثل سند طلاق قانونی، می‌تواند عهد ازدواج یا

پیوند ازدواج طبق دیدگاه خدا را فسخ نماید. آنها اشتباه می‌کردند. خدا از طلاق متنفر است و شخص زناکار را مجازات خواهد نمود. نگرش و نحوه برخورد عیسی تعلیم روش طلاق نبود، بلکه بیشتر بر فرمان ازدواج از جانب خدا تأکید می نمود. تعلیم عیسی مسیح در مورد طلاق مسلماً نقض‌کننده حکم از جانب خدا نبود. کاتبان و فریسیان خودشان را با موارد استثناء در ازدواج مشغول می‌کردند. اما عیسی مسیح بر قانون دوام و پایداری ازدواج تأکید می‌کرد.
عیسی مسیح حکم ازدواج از جانب خدا را که به‌هنگام خلقت بنیاد نهاد، دوباره مورد تأکید قرارداد (پیدایش ۲: ۲٤). خدا فرمان داد که مرد، پدر و مادر خود را ترک کند و با زن خویش بپیوندد تا با او یک تن شود. این فقط یک شرح تاریخی از این نیست که وقتی زن و مرد با هم ازدواج می‌کنند، بین آنها چه روی می‌دهد، بلکه یک فرمان و حکم قدرتمند از جانب خداست در مورد اینکه وقتی زن و مرد باهم ازدواج می‌کنند، چه چیزی باید میان آنها روی دهد. فرمان و حکم خدا برای تمام زمانها و در تمام فرهنگهای جهان معتبر است. با خلق حوا برای آدم، خدا زن را به ازدواج شوهر در آورد. با فرمان جدایی شوهر از والدینش و پیوستن به همسرش، خدا مرد (و زن) را مستقیماً تحت حاکمیت خود قرار داد. خدا زن را مسؤول ساخت که شوهرش را ترک نکند و مرد را مسؤول ساخت که به همسرش وفادار باقی بماند. خدا آنها را مسؤول ساخت که در روح و جسم یک باشند. زن باید درک کند که خدا در ازدواج او را به مرد داده است و مرد باید درک کند که خدا به او فرمان داده که از طریق ازدواج برای تمام عمر خود، زن خود را گرفته و به او بپیوندد.

ب) <u>شکستن پیوند ازدواج بوسیله طلاق غیرقانونی یا روابط خارج از چارچوب، زنا است</u>
بنابراین عیسی آشکارا تعلیم دادکه در ابتدای خلقت، خدا طلاق را قدغن کرد .او فرمود: «آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد». ازدواج در کتاب مقدس معنی دیگری ندارد جز اینکه خدا یک مرد و زن را برای تمام طول زندگی‌شان با یکدیگر می‌پیوندد. ازدواج در کتاب مقدس راهی برای فرار از ازدواج تدارک نمی‌بیند. اگر زن یا شوهر این پیوند ازدواج را بشکنند یا اگر شخص دیگری خارج از روابط زناشویی در زندگی آنها مداخله کند و باعث شکستن پیوند ازدواج آنها گردد، آن شخص مرتکب زنا شده است. از یک طرف شخص مقصر نسبت به خدا گناه کرده است، چرا که او (چه زن چه مرد) از خدا نااطاعتی کرده و پیمان ازدواج از جانب خدا را شکسته است. از طرف دیگر شخص مقصر، گناه بسیار بزرگی نسبت به شریک زندگی خود مرتکب شده است، چرا که (چه زن چه مرد) باعث آسیب و صدمه بزرگی شده است. عیسی شخص مقصر را زناکار می‌خواند و بر اساس اول قرنتیان ٦: ۹- ۱۰، زناکاری که توبه نکرده است، در ملکوت خدا جایی نخواهد داشت.

۲ - <u>دلایل قانونی طلاق کدامند؟</u>

بخوانید: متی ۱۹: ۹ ؛ متی ٥: ۳۱- ۳۲
کشف و گفتگو کنید: بر اساس تعلیم عیسی مسیح، خدا به چه دلیلی طلاق را مجاز می شمارد؟
ملاحظات: عیسی مسیح از واقعیت سقوط انسان و دنیای تباه‌شده آگاه است. اگر چه عیسی مسیح زنا را محکوم می‌کند (متی ۱٥: ۱۸- ۱۹) اما هیچ فرمانی به شخص مسیحی نمی‌دهد که شخص زانی را طلاق بدهد. از همه مهمتر عیسی می‌خواهد که شخص زانی از گناه خود توبه کند (لوقا ۷: ۳٦- ٥۰ ؛ یوحنا ٤: ۱٦- ۱۸، ۲۹) و طرفین به ازدواج خود ادامه دهند (متی ۱۹: ٦). اما در بعضی شرایط توبه‌ای وجود ندارد، و فساد جنسی یا فساد یا خرابی روحانی ادامه می‌یابد و شخص زناکار، شریک زندگی خود را ترک می‌کند و رابطه‌ای پایدار با شخص دیگری دارد که شریک زندگی او نیست. در چنین شرایطی عیسی اجازه داده که شخص مسیحی، همسر یا شوهر زناکار خود را طلاق دهد. عیسی به شخص مسیحی اجازه می‌دهد که فقط در مورد « خیانت در ازدواج » اقدام به طلاق نماید. در متی ۱۹: ۹ او چنین تعلیم می‌دهد: « و به شما می‌گویم هر که زن خود را بغیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است و هر که زن مطلقه‌ای را نکاح کند، زنا کند.» متی ٥: ۳۱- ۳۲ چنین تعلیم می‌دهد: « گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید، طلاق نامه‌ای بدو بدهد، لیکن من به شما می‌گویم، هر کس بغیر علت زنا، زن خود را از خود جدا کند، باعث زنا کردن او می‌باشد، و هر که زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد.» بنابراین عیسی به مسیحیان فقط در مورد «خیانت در ازدواج» اجازه طلاق می‌دهد.

۳- <u>چه وقت طلاق باعث زناکار شدن همسر می گردد؟</u>

بخوانید: متی ٥: ۳۲ ؛ مرقس ۱۰: ۱۱- ۱۲
سؤال کنید: معنی « باعث زنا کردن او می‌باشد» چیست؟
تعلیم دهید:

الف) <u>ترجمه متی ٥: ۳۲</u>
در زبان اصلی « باعث زنا کردن» (وجه مصدری، زمان ماضی، وجه مجهول) در وجه مجهول نوشته شده است. بنابراین باید به « تن در دادن به زنا» یا «در معرض زنا قرار گرفتن» ترجمه گردد. مناسب ترین ترجمه متی ٥: ۳۲ عبارت است از "هرکه بغیر از علت زنا، زن خود را از خود جدا کند (طلاق دهد) باعث می‌شود که او به زنا تن در دهد (یا باعث می‌شود او در معرض زنا قرار گیرد) و هر که با زنی که جدا شده ازدواج کند مرتکب زنا شده است."

ب) نه شیوه طلاق بلکه دلیل آن مهم است.
می‌باید بین «طلاق» (یونانی: apolusai) و « زنا» (یونانی: moicheia) تفاوت قائل گردیم. اولی به معنی « جدا کردن زن از خود» و دومی به‌معنی "داشتن رابطه جنسی با شخصی که مطابق قانون همسر شخص نمی‌باشد" است. یهودیان در زمان عیسی فقط در مورد شیوه صحیح طلاق فکر می‌کردند نه درباره فرمان و حکم ازدواج. آنها بحث می‌کردند که هر گاه یک شوهر زن خود را از خود با یک طلاقنامه جدا سازد، پیوند ازدواج فسخ می‌گردد و شخص می‌تواند دوباره زن دیگری به همسری بگیرد. عیسی شیوه طلاق یهودیان را رد می‌کرد و حکم نقص نشدنی ازدواج از جانب خدا را دوباره برقرار ساخت.

پ) همسر بی‌گناه به دلیل گناه زنای شوهر گناهکارش متحمل رنج می کشد.
اولین نتیجه و پیامد آن این است که همسر بی‌گناه، متحمل زنا می‌گردد. اگر او مرتکب عمل زنا نشده باشد، اما با وجود این، شوهرش او را به هر علتی از خود جدا سازد، این عمل طلاق، شوهر را، شخص گناهکار و زن را طرف بی‌گناه در این طلاق می‌گرداند. با طلاق همسرش به دلیل غیر موجه، شوهر زناکار می‌گردد. با وجود این، زن بی‌گناه نیز متحمل گناه زنا می‌گردد که شوهرش مرتکب شده است. او خودش متحمل طردشدگی و بی‌کسی می‌گردد و مردم ممکن است به طلاق او با دیده شک و بدون ترحم و دلسوزی بنگرند.

ت) همسر بی‌گناه در معرض امکان زنا قرار می گیرد.
نتیجه دوم این است که همسر بی‌گناه در معرض زنا قرار می‌گیرد. اگر او مرتکب خیانت در ازدواج یا زنا نشده باشد، اما با وجود این، شوهرش او را به هر علتی از خود جدا سازد، در نتیجه این عمل طلاق، شخص در معرض شرایط بسیار سخت قرار می‌گیرد و می‌باید بیش از این نیز متحمل گردد. چون طرد شده است و احساس تنهائی و بی کسی می‌کند، خیلی بیشتر در معرض این احتمال قرار دارد که او نیز پیوند ازدواج را بشکند و بدون اینکه مرجع معتبری (مثل کلیسا) به نحوی شایسته به موضوع رسیدگی کرده باشد، اقدام به ازدواج با مرد دیگری نماید. در چنین شرایطی نه تنها شوهر او مقصر و گناهکار است، بلکه خود او نیز مرتکب گناه زنا شده است. عیسی عملکرد شوهر اول را در طرد کردن او (صرفاً با دادن طلاقنامه‌ای به او) به عنوان یک طلاق قانونی، تصدیق و تأئید نمی‌کند، چرا که در اینجا هیچگونه زنایی روی نداده است. عیسی همچنین ازدواج زن را با شوهر دوم (بدون رأی قانونی یک مرجع معتبر) به‌عنوان ازدواجی قانونی تصدیق و تأئید نمی‌کند، چرا که طلاق قانونی روی نداده است. به‌این دلیل است که عیسی می‌فرماید: زمانی که شوهر اول او را به هر علتی به غیر از علت قانونی زنا، از خود جدا می‌سازد (طلاق می‌دهد) او در طلاق مقصر و گناهکار می‌باشد و در نتیجه مرتکب زنا شده است؛ و علاوه بر این به این دلیل که موجب شده زنش نیز متحمل زنا گردد، مقصر و گناهکار است. او زن بی‌گناه خود را به دلیلی غیر قانونی طلاق داده و اگر آن زن به دلیل طردشدگی‌اش تسلیم وسوسه برای ازدواج با شخص دیگر گردد، شوهر باید مسؤولیت اصلی را بپذیرد. او مقصر و گناهکار است، چرا که آن زن را در موقعیتی قرار داده که می‌تواند به‌سادگی درگیر یک ازدواج غیر قانونی و نادرست، یعنی ازدواج دوم گردد.
نتیجه: بنابراین " زنا " یعنی " شکستن پیوند ازدواج " است. همسر بی‌گناه در یک طلاق نادرست، متحمل گناه زنای شوهر گناهکار می‌گردد. همسر بی‌گناه همچنین امکان دارد متحمل زنای خود گردد که شوهر گناهکارش او را در معرض آن قرار داده است.

ث) نه فقط شوهر بلکه زن ممکن است به دلایل قانونی طلاق بگیرد.
متن متی ۵: ۳۱ و ۳۲ بر اساس عملکرد شوهر می‌باشد. عیسی در اینجا در ارتباط با شرایط مخصوص یهودیان صحبت می‌کند که در آن رسم بر این بود که فقط شوهر، زن خود را بطور نادرست و فقط با دادن طلاقنامه‌ای، طلاق می‌دادند. عیسی تعلیم می‌دهد که شوهر زمانی که زنش مرتکب زنا شده باشد بطور قانونی چه می‌تواند انجام دهد. و اینکه یک شوهر زمانی که زنش مرتکب زنا نشده است چه کاری نباید انجام دهد. به هر حال عیسی تعلیم نمی‌دهد که یک زن زمانی که شوهرش مرتکب زنا شده است چه کاری می‌تواند یا باید انجام دهد. متی در درجه اول انجیل خود را برای یهودیان می‌نویسد، یهودیانی که در میان آنها طرد شدن زن بوسیله شوهرش به دلایل غیر موجه امری بسیار شناخته شده و رایج بود. اما در مرقس ۱۰: ۱۱- ۱۲، کاملاً مشخص است که هر آنچه عیسی برای شوهران می‌گوید، برای زنان نیز می‌گوید، زیرا او انجیل خود را برای غیریهودیان نوشته است؛ بنابراین هر آنچه متی برای شوهران تعلیم می‌دهد، طبق انجیل مرقس برای زنان نیز معتبر است. در نتیجه، در انجیل مرقس به زن نیز اجازه داده شده که وقتی شوهرش مرتکب زنا می‌گردد، او را بطور قانونی طلاق دهد.

٤ - چه وقت ازدواج مجدد در حکم «زنا» می باشد؟

بخوانید: متی ۵: ۳۲
سوال کنید: معنی این جمله که «هر که زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد» چیست؟
تعلیم دهید:

الف) عیسی ازدواج مجدد و بسیار شتابزده را بعد از یک طلاق غیرقانونی و نادرست، همچون زنا به حساب می آورد.
وقتی عیسی می‌فرماید: «هر که زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد» (یونانی: moichatai) (وجه اخباری، زمان حال)، منظورش این نیست که او نباید هرگز دوباره ازدواج کند. اگر منظور این بود، آنوقت عیسی شخص بی‌گناه را به دلیل گناه شخص مقصر مجازات می‌کرد. در متی ٥: ٣١- ٣٢ عیسی از متن تثنیه ٢٤: ١- ٤ صحبت می‌کند و در آن متن آشکار است که همسر بی‌گناه، که بصورت غیر قانونی بوسیله شوهر طلاق داده شده، ممکن است در نهایت و بطور قانونی دوباره ازدواج نماید.
زمانی که یک شوهر مقصر، زن بی‌گناه خود را طلاق می‌دهد، مرد دیگر می‌باید به آن زن فرصت و زمان کافی بدهد، شاید که شوهر مقصر او، اشتباه خود را اصلاح کند و با او آشتی نماید. آن مرد دیگر نباید برای ازدواج با چنین زن بی‌گناه، اما طرد شده، عجله و شتاب نماید. اگر چنین کند، درگیر یک طلاق غیر قانونی و در نتیجه زنا با زنی گردیده که نمی‌باید چنین شتابزده ازدواج می‌کرد. متی ٥: ٣٢ به این معناست که آن مرد دیگر نباید برای ازدواج با چنین زنی عجله نماید و خود زن نیز نباید فوراً تسلیم وسوسه شده، با این مرد ازدواج نماید. علت این است که شوهر مقصر اول که زنش را به دلیل غیر موجه از خود جدا نموده است، هنوز ممکن است توبه کند؛ می‌باید به او زمان و فرصت کافی برای اصلاح گناه زنا یا طلاق نادرست و آشتی کردن با زن سابقش را داد. عیسی مدت زمان را مشخص نمی‌کند. او در این مورد به جزئیات بیشتری نمی‌پردازد.

ب) عیسی همه چیز را در مورد طلاق و ازدواج مجدد تعلیم نداد
تمام این متن مربوط می‌شود به کاری که شوهر یا آن مرد دیگر باید انجام دهد و یا انجام ندهد و نه مربوط به کاری که زن باید انجام دهد و یا انجام ندهد. این امر نشان می‌دهد که عیسی نمی‌خواسته همه چیز را در مورد طلاق و ازدواج مجدد در این قسمت از کتاب مقدس تعلیم دهد. در قسمت دیگری از کتاب مقدس (اول قرنتیان ٧) پولس رسول بطور مفصل در ارتباط با ازدواج و طلاق سخن می‌گوید. آنچه که عیسی انجام داد، مقابله با اخلاقیات سست رایج بین یهودیان آن دوره بود. او بطور مشخص با بی‌توجهی مردان یهودی در طرد کردن (طلاق دادن) زنان خویش مقابله می‌کند. او با طلاق مخالفت می‌کند. او تفسیر اشتباه یهودیان را از شریعت عهد عتیق رد می‌نماید و معنی واقعی و صحیح شریعت را دوباره تأکید می‌کند (متی ٥: ١٧- ١٨)، مانع فرد تقصیرکار میشود و از همسر بی‌گناه دفاع می‌کند و از هر جهت پیوند مقدس و نقض‌نشدنی ازدواج را، به آن صورتی که خدا وضع نموده، حفظ و حمایت می‌کند (متی ٥: ٣١- ٣٢ ؛ ١٩: ٣- ٦).

٥ - معنی «خیانت در زناشوئی»

سوال کنید: معنی اصطلاح «خیانت در زناشوئی» چیست؟
تعلیم دهید: واژه اصلی برای «خیانت در زناشویی» در زبان یونانی، لغت «Porneia» می‌باشد. این لغت دو گناه را توصیف می‌کند: فساد جسمانی (بدنی) و فساد روحانی.

الف) فساد جسمانی یعنی داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج یا رابطه جنسی نادرست بعد از ازدواج
بخوانید: متی ٥: ٣٢ ؛ عبرانیان ١٣: ٤
تعلیم دهید: «Porneia» به‌عنوان " خیانت جنسی یا فساد جسمانی " به معنی هر نوع فساد و بی بند و باری جنسی است و شامل هر نوع بی‌بند و باری جنسی قبل از ازدواج فرد، مخصوصاً " فسق " می‌باشد که عبارت است از رابطه جنسی قبل از ازدواج و نیز شامل تمام روابط مخفی نادرست با جنس مخالف بعد از اینکه شخص ازدواج کرده است می‌گردد، به ویژه «زنا» (یونانی Moicheia)، رابطه جنسی با شخصی که همسر شخص دیگری می‌باشد). بطور خلاصه کتاب مقدس رابطه جنسی را با هر فرد دیگری بغیر از همسر شخص قدغن می‌نماید. عبرانیان ١٣: ٤ می‌فرماید: " نکاح به هر وجه محترم باشد و بسترش غیر نجس زیرا که فاسقان (یونانی: Pornos) و زانیان (یونانی: Moichos) را خدا داوری خواهد فرمود."
تفاوت بین «بی بند و باری جنسی» (یونانی: Porneia) و «زنای افراد متأهل» (یونانی: Moicheia) چیست؟

ب) فساد جسمانی هر نوع رابطه جنسی نادرست را شامل می گردد.
بخوانید: لاویان ١٨: ١- ٦ ، ٢٠ ، ٢٢ ، ٢٣ ؛ لاویان ٢٠: ١٠ ، ١٣ ، ١٥ ، ١٧ ، ٢٣ ، ٢٦ ؛ تثنیه ٢٣: ١٧- ١٨
تعلیم دهید: «بی بند و باری جنسی» (یونانی: Porneia) اشاره به هر نوع رابطه جنسی می‌نماید که از نظر خدا غیر قانونی است. و شامل تمایلات جنسی نادرست (متی ٥: ٢٧- ٣٠، دوم پطرس ٢: ١٤، ١٨)، افکار جنسی نادرست (ایوب ٣١: ١ ؛ امثال ٦: ٢٥) و کلمات جنسی قبیح (افسسیان ٥: ٣- ٥) می‌گردد. بی بند و باری جنسی شامل هر نوع رفتار جنسی نادرست، از قبیل استفاده و انتشار تصاویر جنسی، خود-ارضایی، لاس زدن (لمس بدن به منظور تحریک تمایل جنسی قبل از ازدواج) (امثال ٥: ١٥- ٢١ ؛ اول تسالونیکیان ٤: ١- ١٨)، رابطه جنسی قبل از ازدواج (تثنیه ٢٢: ٢١، ٢٣- ٢٤ ؛ عبرانیان ١٣: ٤)، روسپی‌گری (فحشا) (امثال ٥: ٧- ١٣)، هم‌جنس‌گرایی (لاویان ١٩: ٢٢ ؛ ٢٠: ١٣ ؛ رومیان ١: ٢١- ٢٧)، جماع با حیوانات (لاویان ١٩: ٢٣ ؛ ٢٠: ١٥)؛ زنا (لاویان ١٩: ٢٠ ؛ ٢٠: ١٠) و غیره می‌گردد. البته تمایل جنسی فی‌نفسه و به‌خودی‌خود گناه نیست، بلکه تمایلی است که خدا بخشیده است، اما می‌باید در محدوده‌ای که خدا فرمان داده مهار گردد. به هر حال به دلیل سقوط انسان در گناه، تمایل جنسی نیز به سطح تمایل شهوانی تنزل کرده است (دوم پطرس ٢: ١٤، ١٨؛ اول پطرس ٢: ١١). اگر چه تمایلات جنسی، نوازش کردن و رابطه جنسی در چارچوب رابطه زناشوئی و ازدواج گناه نیست، اما قبل و خارج از چارچوب

رابطه زناشوئی و ازدواج گناه است، چرا که به خودی خود تبدیل به اعمالی می‌گردند که مطابق خواست و هدف خدا نیستند و معمولاً باعث می‌گردند دیگران مرتکب گناه شوند (یعقوب ٤: ١٧ ؛ متی ١٨: ٧- ٩).

پ) فساد جسمانی شامل هر نوع زنا می گردد.
بخوانید: مرقس ١٠: ١١- ١٢
تعلیم دهید: «زنا» (یونانی: moicheia) فقط یک جنبه از فساد جنسی (بی بند و باری) می‌باشد و به هر نوع رفتار جنسی که پیوند مقدس ازدواج را می‌شکند اشاره می‌نماید. زنای افراد متأهل، اشاره به هر نوع رابطه جنسی با شوهر یا زن شخص دیگر دارد. زنا عبارت است از رابطه نادرست با همسر شخص دیگر، هر نوع به بازی گرفتن زن شخص دیگر یا عشوه‌گری و سعی در اغوا کردن و گول زدن شوهر شخص دیگر. زنا عبارت است از رابطه جنسی با شخص متأهل یا با شخص دیگری بجز همسر خود شخص. زنا عبارت است از طلاق دادن همسر به غیر از علت زنا. زنا یعنی ازدواج با بیش از یک زن در یک زمان (چند همسری) یا ازدواج با بیش از یک مرد در یک زمان (چند شوهری). زنا یعنی داشتن معشوقه یا صیغه (متعه). بنابراین اگرچه لغت «فساد یا بی بند و باری جنسی» به هر نوع رابطه جنسی قبل از ازدواج شخص اشاره می‌کند، لغت «زنا» به هر نوع رابطه جنسی بیرون از ازدواج شخص اشاره دارد.

ت) زنای روحانی شامل هر نوع مذهب غیر اخلاقی می گردد.
بخوانید: ارمیا ٣: ٦- ١٠؛ حزقیال ١٦: ١- ٦٣ ؛ ٢٣: ١- ٤٩
تعلیم دهید: «Porneia» "خیانت جنسی" به عنوان «زنای روحانی» به معنی هر نوع زنای مذهبی می‌باشد.
زنای روحانی یا مذهب غیر اخلاقی به‌صورت ارتداد از خدا که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده، متجلی می‌شود. باور به تمام مذاهب به‌غیر از پرستش خدایی که خود را در انبیای عهد عتیق و در عیسی مسیح آشکار کرده است، زنای مذهبی می‌باشد. پرستش بتها همگی زنای مذهبی می باشد، زنای روحانی یا مذهبی شامل روسپی‌گری بتکده‌ها، هر نوع اعتقاد به سحر و جادو، هر نوع تعلیم غلط که مخالف با تعلیم کتاب مقدس است و هر نوع خشونت در نام مذهب می باشد. به دلیل بت‌پرستی و خیانت روحانی به خدا، خدا ابتدا اسرائیل و بعد از آن یهودا را مجازات نمود و آنها را به اسارت فرستاد.

ث) نتیجه گیری
بخوانید: عبرانیان ١٣: ٤ ؛ مکاشفه ٢١: ٨
نتیجه این که کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که تنها رابطه جنسی درست و قانونی رابطه جنسی با یک شخص و آن هم همسر فرد و فقط بعد از ازدواج می‌باشد. کتاب مقدس هشدار می‌دهد که خدا فاسقان (بی‌عفتان) و زناکاران را داوری خواهد نمود. اگر همسر یک مسیحی مرتکب زنای جسمانی یا زنای روحانی گردد، به زن یا شوهر بی‌تقصیر حکم نشده ولی اجازه داده شده همسر یا شوهر خاطی خود را طلاق دهد. خدا از طلاق متنفر است، اما در حین حال رحیم است و نمی‌تواند موقعیتی را که در آن همسر بی‌تقصیر را به سمت فساد جنسی، فساد روحانی یا خشونت غیر انسانی سوق دهد بپذیرد. بر اساس معانی «خیانت در زناشوئی» عیسی مسیح اجازه می‌دهد که یک مسیحی زمانی که همسرش مرتکب فساد جنسی یا فساد روحانی شده است، طلاق بگیرد. فساد جنسی شامل هر نوع رفتار جنسی نادرست و قبیح (منافی عفت) می‌گردد. فساد روحانی شامل هر نوع بت‌پرستی، اعتقاد به سحر و جادو، تعالیم مذاهب دروغین و خشونت می‌گردد.

پ - تعلیم عیسای مسیح که بوسیله پولس در کلیسای مسیحی بکار برده شده است.

مقدمه: وقتی مسیحیان شروع به اعلام انجیل به مردمان غیریهودی (امت‌ها) کردند، با مشکلات جدیدی در رابطه با طلاق و ازدواج مجدد روبرو شدند. «ازدواج مختلط» یکی از این مشکلات بود، یعنی اینکه مرد یا زن متأهل به‌تنهائی مسیحی می‌شد. ایمانداران قرنتس از این دست بودند؛ ایشان می‌خواستند بدانند که آیا زن یا مرد مسیحی متأهل می‌باید همسر بی‌ایمان خود را طلاق بدهد یا نه. بنابراین پولس رسول تحت الهام روح‌القدس دستورهایی در مورد طلاق و ازدواج مجدد به آنها می‌دهد (اول قرنتیان ٧: ٤٠). او تعلیم می‌دهد که برای مسیحیان به دلیل "ناسازگاری روحانی" که عبارت است از عدم هماهنگی به دلیل مسیحی نبودن همسر، طلاق جایز است (اول قرنتیان ٧: ١٢- ١٦).

١- ازدواج مختلط که در آن همسر بی ایمان می‌پذیرد به زندگی خود با همسر ایماندارش ادامه دهد.

کشف و گفتگو کنید: در یک ازدواج مختلط که در آن همسر بی ایمان می‌پذیرد به زندگی خود با همسر ایماندارش ادامه دهد، چه باید کرد؟
بخوانید: دوم قرنتیان ٦: ١٤ ؛ اول قرنتیان ٧: ١٢- ١٤
ملاحظات: در ازدواج مختلطی که در آن همسر بی‌ایمان می‌پذیرد که با همسر ایماندار زندگی کند، جدایی مجاز نیست. بر این نکته باید تأکید داشت که پولس رسول به وضوح تعلیم می‌دهد که شخص مسیحی اجازه ندارد با یک شخص بی‌ایمان یا شخصی معتقد به مذهب دیگر، ازدواج کند (اول قرنتیان ٧: ٣٩ ؛ دوم قرنتیان ٦: ١٤- ٧: ١). با وجود این، بعضی از افراد قبل از مسیحی شدن ازدواج کرده‌اند. در اول قرنتیان ٧: ١٢- ١٤ پولس رسول در ارتباط با طلاق و ازدواج در چنین مواردی سخن

می‌گوید. اگر همسر بی‌ایمان می‌خواهد که به زندگی و ازدواج خود با همسر ایماندارش ادامه دهد، آنوقت همسر ایماندار نمی‌تواند همسر بی‌ایمان خود را طلاق دهد. ادامه یافتن این ارتباط زناشوئی برای خدا مهم است، چرا که همسر بی ایمان و فرزندان در اثر روابط نزدیک با همسر ایماندار «تقدیس» می‌گردند. «تقدیس» به معنای مقدس در مسیح در حضور خدا آنطور که در اول قرنتیان ۱: ۳۰ آمده، نمی‌باشد. چرا که آن نوع تقدیس را نمی‌توان به یک بی ایمان نسبت داد. «تقدیس» بیشتر به معنای «کنار گذاشتن » در این معنا می‌باشد که او و فرزندانش بیش از این در احاطه غیرایمانداران نمی‌باشند. ایشان از طریق همسر ایماندار، به جمع ایمانداران مرتبط می‌گردند و از آنها تأثیر می‌پذیرند. در چنین ازدواجی بچه ها در کلیسای مسیحی رشد می‌نمایند.

۲ - <u>ازدواج مختلطی که در آن همسر بی ایمان نمی تواند بپذیرد که با همسر ایماندار به زندگی ادامه دهد.</u>

الف) <u>طلاقی که از سوی همسر بی‌ایمان درخواست شده، باید پذیرفته شود.</u>
کشف و گفتگو کنید: در یک ازدواج مختلط که همسر بی ایمان نمی‌تواند بپذیرد که با همسر ایماندار به زندگی ادامه دهد، چه باید کرد؟
بخوانید: اول قرنتیان ۷: ۱۵- ۱۶
ملاحظات: در یک ازدواج مختلط که در آن همسر بی ایمان نمی‌تواند بپذیرد که با همسر ایماندار به زندگی ادامه دهد، طرفین می‌توانند از هم جدا شوند. اگر همسر بی ایمان تمایلی به ادامه زندگی مشترک با همسر مسیحی خود ندارد، همسر مسیحی باید به همسر بی ایمان خود اجازه دهد که او را طلاق دهد. اول قرنتیان ۷: ۱۵- ۱۶ تعلیم می‌دهد که «اما اگر بی ایمان جدائی نماید، بگذارش که بشود، زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است». این قسمت بصورت تحت‌اللفظی می‌گوید: «اگر شخص بی ایمان خود را جدا نمود، بگذار جدا بماند یا طلاق بگیرد. برادر یا خواهر ایماندار در این صورت همچون یک برده در بند قید و بند نمی‌باشد». شخص غیر مسیحی بطور کامل مسؤول طلاق است و نه شخص مسیحی. شخص مسیحی در زیر هیچ قید و الزامی نمی‌باشد که مانع جدا شدن یا طلاق گرفتن بی‌ایمان گردد.

ب) <u>چرا طلاقی که از سوی همسر بی‌ایمان درخواست شده، باید پذیرفته شود؟</u>
کشف و گفتگو کنید: چرا همسر مسیحی باید اجازه دهد که همسر غیر مسیحی، خودش را از او جدا سازد یا طلاق بگیرد؟
ملاحظات: علت اینکه چرا همسر مسیحی باید اجازه دهد که همسر غیر مسیحی خود را از او جدا سازد (طلاق گیرد)، این است که خدا ما را به سلامتی خوانده است. کلمه « سلامتی» در اینجا به معنی عدم مشکلات و درگیری‌های خانوادگی نمی‌باشد. «سلامتی» که خدا مسیحیان را به آن دعوت کرده است نتیجه نجات است (اول قرنتیان ۱: ۳)، آن سلامتیِ نجات می‌باشد. سلامتی که نتیجه نجات است، شامل رفاه درونی و برقراری مجدد رابطه از یک سو با خدا و از سوی دیگر با سایر مردم می‌باشد. آشفتگی یا به خطر انداختن این سلامتی، ناسازگاری روحانی نامیده می‌شود. برای مثال ممکن است زمانی که زن یا شوهر ایماندار می‌خواهد فعالانه در کلیسا شرکت داشته باشد یا می‌خواهد فرزندان خود را در کلیسا پرورش دهد، اما همسر بی ایمان با این امر با خشونت زبانی یا جسمانی مخالفت می‌کند، سلامتی از بین می‌رود و آشفته می‌گردد. اگر این سلامتی به این دلیل که همسر بی ایمان نمی‌خواهد به زندگی مشترک ادامه دهد، به هم بخورد یا به خطر بیفتد، در آن صورت طلاق مجاز شمرده می‌شود. زمانی که همسر بی ایمان می‌خواهد طلاق بگیرد، زن یا شوهر مسیحی نباید مانع طلاق گردد، بلکه با آن موافقت نماید.
در مواردی که همسر غیر مسیحی نمی‌خواهد طلاق بگیرد، اما با وجود این، به بد رفتاری و خشونت نسبت به زن یا شوهر مسیحی و فرزندان او ادامه می‌دهد، زن یا شوهر مسیحی می‌تواند همسر غیر مسیحی خود را بر اساس فساد روحانی که شامل خشونت و پرخاشگری و بر اساس تضاد و ناسازگاری روحانی که برهم زننده سلامتی با خدا و سایر مردم می‌باشد، طلاق دهد. مراجع دولتی یا مراجع کلیسائی معمولاً درباره باطل کردن و فسخ ازدواج تصمیم می‌گیرند و در چنین مواردی، زن یا شوهر مسیحی نباید مانع طلاق گردد.

ت - <u>تعلیم عهد عتیق که بوسیله پطرس در عهد جدید بکاربرده شده است.</u>

نحوه رفتار شوهر با همسرش، تأثیر فوق العاده‌ای بر رابطه او با خدا و دعاهایش دارد. ملاکی ۲: ۱۳- ۱۵ بیان می‌کند که اگر شخص به زوجه خود خیانت کند، خدا به دعاها و گریه‌های او توجهی نمی‌نماید. در اول پطرس ۳: ۷ پطرس رسول می‌فرماید: «همچنین ای شوهران، با فطانت با ایشان زیست کنید، چون با ظروف ضعیف‌تر زنانه، و ایشان را محترم دارید چون باشما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعاهای شما بازداشته نشود». اگر مردی با همسر خود با تندی و بی احترامی رفتار کند، خدا نیز به همینطور دعاهای او را رد می‌کند. این هشداری است برای تمام شوهرهائی که با بکارگیری خشونت، خواست خود را در زندگی مشترکشان به کرسی می‌نشانند. این همچنین هشداری است برای تمام زنانی که از تندی زبانشان برای جریحه‌دار کردن شوهرشان استفاده می‌کنند (اول پطرس ۵: ۱- ۶). بنابراین رفتار و نحوه عملکرد در رابطه زناشوئی تأثیر زیادی بر شنیده شدن دعای زن یا شوهر توسط خدا دارد.

ث - تغییر و عوض شدن ، ازدواج مجدد و خدمت رهبری شخص طلاق گرفته در کلیسا

۱ - دگرگونی پس از طلاق

مقدمه: اگر چه زنا و طلاق گناهان فاحشی می‌باشند. اما انجیل می‌تواند زندگی اشخاصی را که مرتکب زنا یا طلاق نادرست شده‌اند، تغییر دهد.

الف) توبه واقعی باعث بخشش می گردد.
بخوانید: امثال ۲۸: ۱۳؛ اعمال ۱۳: ۳۸- ۳۹ ؛ اول یوحنا ۱: ۹ ؛ متی ٤: ٥- ۷
کشف و گفتگو کنید: شخصی که مرتکب زنا یا طلاق نادرست شده است، چه کاری باید انجام دهد؟
ملاحظات: هر شخصی که صادقانه از گناه خود توبه کند و زندگی خود را تغییر دهد، بخشش و تغییر الهی را دریافت خواهد نمود. خدا نسبت به گناهکار توبه‌کار رحیم و بخشنده است. او می‌بخشد و از طریق تغییر و تقدیس، زندگیهای تباه‌شده را کاملاً دگرگون می‌سازد. با وجود این، یک مسیحی نباید از فیض و رحمت خدا سوء استفاده کند. یعنی اینکه ابتدا عامداً همسر خود را طلاق دهد و بعد سعی کند که بخشش خدا را کسب نماید. چنین عملی برابر است با آزمایش کردن خدا.

ب) عیسی مسیح با اشخاصی که در زنا زندگی می کردند، چه رابطه ای داشت؟
بخوانید: لوقا ۷: ۳٦- ٥۰ ؛ یوحنا ٤: ۱٦- ۱۹؛ ۸: ۱- ۱۱
کشف و گفتگو کنید: عیسی در مورد نحوه رفتار به‌هنگام زنا یا طلاق نادرست چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: عیسی آمد تا گمشده را بجوید و نجات بخشد (لوقا ٥: ۳۱- ۳۲ ؛ ۱۹: ۱۰). این شامل انسانهایی نیز می‌گردد که در زنا زندگی می‌کنند. عیسی زن سامری را که در زنا زندگی می‌کرد، محکوم نکرد بلکه خود را به عنوان نجات‌دهنده معرفی کرد و زندگی او را کاملاً دگرگون ساخت. عیسی همچنین زنی را که به‌هنگام عمل زنا گرفته شده بود، محکوم نکرد. در عوض به او هشدار داد که زندگی گناه آلود خود را ترک کند. عیسی زنی را که در شهر زندگی گناه آلودی داشت محکوم یا مجازات نکرد بلکه تمام گناهان او را بخشید (لوقا ۷: ٤۷- ٥۰).

پ) اگر خدا در کتاب مقدس زناکاران را تغییر داد، امروز هم می تواند آنها را تغییر دهد.
بخوانید: اول قرنتیان ٥: ۱- ۱۳؛ ٦: ۹- ۱۱ ؛ ۷: ۱۱؛ دوم قرنتیان ۲: ٥- ۱۱
کشف و گفتگو کنید: انجیل عیسی مسیح چه قدرتی بر انواع فساد (بی بند و باری) جنسی دارد؟
ملاحظات: انجیل عیسی مسیح قدرت دارد که بی عفتان، زناکاران و آنهایی را که طلاق نادرست گرفته‌اند تغییر دهد. در اول قرنتیان ٥: ۱- ۱۳ درباره فساد و انحطاط اخلاقی اهالی قرنتس می خوانیم و در اول قرنتیان ٦: ۹- ۱۱ درباره داوری خدا بر هر نوع فساد جنسی می‌خوانیم. در آنجا کلام خدا می‌فرماید: «فریب مخورید، زیرا فاسقان و بت‌پرستان و زانیان و متنعمان و لواط کاران ... وارث ملکوت خدا نخواهند شد». اما پولس رسول همچنین می‌گوید که چنین اشخاص می‌توانند نجات یافته و کاملاً عوض شوند. او می‌نویسد: «بعضی از شما چنین می‌بودید، لکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل شده‌اید به نام عیسی مسیح خداوند و به روح خدای ما». بنابراین اگر چه پیران کلیسا می‌باید مسیحیان زناکار و آنهایی را که مرتکب طلاق نادرست می‌گردند، توبیخ و تأدیب نمایند (اول قرنتیان ٥: ۱- ۸) اما باید این را هدف خود قرار دهند که شخص خاطی توبه کند و زندگی او عوض شود (دوم قرنتیان ۲: ٥- ۱۱). همه گناه کرده‌اند و همه برای نجات یافتن و تغییر کردن به رحمت و فیض خدا محتاج می‌باشند. مردمی‌که مرتکب زنا یا طلاق شده اند و بعداً واقعاً توبه می‌کنند، می‌توانند رحمت خدا را برای بخشش و فیض او را برای عوض شدن دریافت کنند (اول یوحنا ۱: ۸ - ۲: ۲). اگر دو نفری که از هم طلاق گرفته اند، هیچکدام دوباره ازدواج نکرده باشند، باید سعی کند با همسر قبلی خود دوباره آشتی نماید و ازدواج قبلی خود را دوباره برقرار سازد (اول قرنتیان ۷: ۱۱).

۲ - ازدواج مجدد بعد از طلاق

مقدمه: ازدواج مجدد بعد از طلاق، موضوعی بسیار بحث‌انگیز در میان مسیحیان می‌باشد. رهبران مسیحی واقعی در تفسیر قسمت‌های مهم و کلیدی کتاب مقدس در این باره، اختلاف نظر دارند. با وجود این، تمام مسیحیان می‌باید شواهد موجود در کتاب مقدس را مد نظر داشته باشند و پیران کلیسا باید رأی نهائی را که می‌باید در کلیسای آنها اجرا شود صادر کنند. کتاب مقدس دو اصل مهم را درباره ازدواج مجدد بعد از طلاق تعلیم می‌دهد که عبارتند از :

الف) تعلیم برای شخص مقصر در طلاق
بخوانید: مرقس ۱۰: ۱۱- ۱۲ ؛ اول قرنتیان ۷: ۱۰- ۱۱
کشف و گفتگو کنید: شخص مقصر در طلاق چه کاری باید انجام دهد؟
ملاحظات: در بسیاری از ازدواجها که منتهی به طلاق می‌گردد، هم زن و هم شوهر هر دو تا حدودی مقصر هستند که ازدواج آنها به سوی طلاق کشیده می‌شود. شاید هر دو آنها آنقدر مشغول کار هستند که وقت کافی برای توجه به زندگی زناشوئی و

خانواده‌شان نمی‌دهند. شاید آنها روابط زناشوئی خود را بر روش کتاب مقدس بنا نکرده اند و یا اختلافات خود را طبق روش کتاب مقدس حل ننموده‌اند. بنابراین توبه هر دو طرف ضروری است. با وجود این، عیسی و پولس از زن یا شوهری که به دلیلی غیر از دلایل صحیح ذکر شده طلاق می‌گیرد، سخن می‌گویند. شخص مقصر در طلاق می‌باید یا با همسر قبلی آشتی نماید و یا دیگر ازدواج نکند.

۱) در مرقس ۱۰ : ۱۱- ۱۲ عیسی می‌فرماید: «هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، بر حق وی زنا کرده باشد. و اگر زن از شوهر خود جدا شود و منکوحه دیگری گردد، مرتکب زنا شود.» در اینجا عیسی از زن یا شوهری که مقصر است سخن می‌گوید، یعنی شخصی که بطور نادرست همسر خود را طلاق داده و بطور نادرست با زن یا مرد دیگری دوباره ازدواج کرده است. چون عیسی طلاق غیر قانونی را تأئید و تصدیق نمی‌کند، بنابراین ازدواج مجدد بعد از آن را هم مورد تأئید و تصدیق قرار نمی‌دهد. او طلاق نادرست و ازدواج مجدد نادرست را «زنا» تلقی می‌نماید. اول قرنتیان ٦: ۹- ۱۱ هشدار می‌دهد که زناکاری که توبه نکرده وارث ملکوت خدا نخواهد شد.

۲) در اول قرنتیان ۷: ۱- ۷، مجرد ماندن یا ازدواج کردن امری «نیکو» است و مورد توصیه قرار گرفته، اما مشخصاً حکم نشده است. اما در اول قرنتیان ۷: ۱۰- ۱۱، ادامه ازدواج بطور مشخص حکمی از جانب خداوند عیسی مسیح است و نه صرفاً یک توصیه خوب. در حالی که پولس رسول ممکن است تحت شرایط خاصی حکم به مجرد ماندن یا ازدواج کردن بدهد، خداوند عیسی مسیح به اشخاص متأهل دستور می‌دهد که در همان حالت ازدواج باقی بمانند.

۳) در انجیل متی عیسی شرایط یهودیان را مورد توجه قرار می‌دهد، جائی که اکثر مردان زنان خود را طلاق می‌دادند.در اول قرنتیان پولس شرایط غیر یهودیان (امتها) را مورد توجه قرار می‌دهد، جائی که زنها بسیار آزاد بودند و اغلب شوهران خود را طلاق می‌دادند. با وجود این، در هر دو مورد آنچه درباره شوهران یا زنان گفته شده است برای جنس مخالف نیز صادق است.

٤) بعد از طلاقی غیر مجاز، به عبارت دیگر، بعد از یک طلاق عمدی از سوی زن یا شوهر مسیحی، ازدواج اول از نظر خدا فسخ شده نمی‌باشد. و زن یا شوهر مقصر نمی‌تواند دوباره ازدواج کند، بلکه باید در جهت آشتی کردن با همسر بی‌گناه خود اقدام نماید. اگر نمی‌خواهد با همسر بی‌گناه خود آشتی نماید، بنابراین باید در همان حالت باقی بماند و با شخص دیگری ازدواج نکند.

۵) با وجود این، این متن بطور مبسوط توضیح نمی‌دهد که در صورت عدم امکان حل کردن موضوع طلاق (آشتی دادن)، چه باید انجام داد، یعنی زمانی که زن یا شوهر بی‌گناه قبل از اینکه همسر مقصر او در طلاق، توبه نماید، دوباره ازدواج کرده باشد. بعضی از رهبران مسیحی اینطور معتقدند که شخص مقصر هرگز نباید دوباره ازدواج کند. آنها بر مجازات تأکید می‌کنند و معتقدند که شخص مقصر باید عواقب رفتار گناه آلود خود را متحمل گردد. سایر رهبران مسیحی می‌گویند که زناکار توبه کار می‌تواند دوباره ازدواج کند. آنها تعلیم می‌دهند که خدا بخشنده است، او زناکار توبه کار را می‌بخشد و دیگر گناه او را به یاد نمی‌آورد (لوقا ۷: ٤۷- ٥۰ ؛ اول قرنتیان ٥: ۹- ۱۱، عبرانیان ۸: ۱۲). علاوه بر این، اول قرنتیان ۷: ۹ تعلیم می‌دهد که ازدواج از آتش هوس بهتر است. این اصل مسلماً درباره گناهکار اصلی نیز صادق است، اما برای زناکار توبه‌کار و بخشیده شده.

ب) <u>تعلیم برای شخص بی‌تقصیر در طلاق</u>

بخوانید: اول قرنتیان ۷: ۳۹ ؛ اول قرنتیان ۷: ۱٥ ؛ اول قرنتیان ۷: ۹

کشف و گفتگو کنید: شخص بی تقصیر در طلاق چه کاری باید انجام دهد؟

ملاحظات: شخص بی‌تقصیر در طلاق مجبور نیست که مجرد باقی بماند.

۱) در اول قرنتیان ۷: ۳۹ پولس رسول تعلیم می‌دهد که "زن مادامی‌که شوهرش زنده است، بسته است (وجه اخباری، زمان کامل، وجه مجهول). اما هر گاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هر که بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط." در اینجا معنی تحت اللفظی کلمه «بسته» یعنی «دائماً باقی ماندن (همسر) در قید بوسیله شریعت». فقط مرگ همسر قید و بند ازدواج را فسخ می‌کند و زن یا شوهر زنده را کاملاً برای ازدواج مجدد آزاد می‌نماید. اول قرنتیان ۷: ۳۹ کمك می‌کند تا اول قرنتیان ۷: ۱٥ را درك کنیم.

۲) در اول قرنتیان ۷: ۱٥ پولس رسول تعلیم میدهد: « اگر بی ایمان جدائی نماید، بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست» (همچون یک برده) (وجه اخباری، زمان کامل، وجه مجهول). همسر غیر مسیحی مسؤول این طلاق است و شخص مسیحی، مقصر نمی‌باشد. معنی تحت اللفظی «مقید نیست» یعنی « لازم نیست همچون برده دائماً در قید و بند ازدواج اول باقی بماند. بنابراین شخص مسیحی بی تقصیر لازم نیست مجرد باقی بماند و برای یک اتفاق احتمالی، یعنی توبه کردن همسر بی ایمان صبر کند تا او ایماندار شود و آنها به رابطه زناشوئی اول خود برگردند. شخص مسیحی بی تقصیر همچنین لازم نیست برای بقیه عمر خود مجرد باقی بماند. طلاق از جانب همسر غیر مسیحی، پیوند و قید ازدواج را از نظر خدا فسخ می‌نماید و شخص مسیحی برای ازدواج مجدد آزاد است. در چنین موردی، خدا رابطه زناشوئی اول را دیگر همچون یک قید و بند در نظر نمی‌گیرد. شخص مسیحی بطور کامل از قید و بند قبلی آزاد می‌باشد. این همچنین بدین معناست که شخص مسیحی کاملاً برای ازدواج مجدد آزاد است. مسلماً به شریک غیر مسیحی می‌باید فرصت کافی برای توبه داده شود. اما مدت آن بیان نشده است (متی ٥: ۳۲ ، به قسمت ب - ٤- الف رجوع کنید).

۳) این امر با نوشته پولس در اول قرنتیان ۷: ۱- ۹ سازگار می‌باشد: شخص مسیحی بی تقصیر امکان دارد فیض خویشتنداری و پرهیز را دریافت نکند و ممکن است در آتش هوس بسوزد، بنابراین تا زمانی که دوباره ازدواج نکند،

ممکن است بوسیله شیطان برای افتادن در فساد و بی بند و باری جنسی به دلیل عدم خویشتنداری، وسوسه گردد.در چنین شرایطی برای شخص مسیحی بهتر است دوباره ازدواج نماید.
نتیجه گیری: اول قرنتیان ۷: ۳۹ به ما در توضیح اول قرنتیان ۷: ۱۵ کمک می‌کند. زمانی که قید وبند ازدواج بطور قانونی به دلیل مرگ شریک زندگی، طلاق قانونی از طرف شریک زندگی غیر مسیحی، یا خیانت جسمانی یا روحانی شریک زندگی فرد مسیحی برداشته می‌شود، شخص مسیحی بی تقصیر ، برای ازدواج مجدد دوباره آزاد است.
البته شخص بی تقصیر در طلاق می‌باید وقت و فرصت کافی به شریک مقصر خود برای توبه و آشتی بدهد. با وجود این، اگر بعد از فرصت کافی، فرد مقصر از توبه و آشتی امتناع کرد، شخص بی تقصیر، لازم نیست که ازدواج نکرده باقی بماند. نه عیسی و نه پولس هیچکدام مدت «وقت و فرصت کافی» را برای توبه و آشتی مشخص نکرده اند (عبرانیان ٤: ۷- ۸).

۳ - خدمت رهبری در کلیسا بعد از طلاق

بخوانید: لاویان ۲۱: ۷ ، ۱٤؛ اول تیموتاؤس ۳: ۲
کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در ارتباط با شخص طلاق گرفته در خدمت رهبری در کلیسا چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: رهبران مسیحی در خصوص این موضوع با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

الف) کاهن در عهد عتیق
در دوران عهد عتیق، کاهن نمی‌بایست با یک زن مطلقه بی تقصیر ازدواج کند.

ب) پیر کلیسا در عهد جدید
در دوران عهد جدید، یکی از شرایط پیر کلیسا این است که باید «شوهر یک زن» باشد. این شرط تعلیم نمی‌دهد که پیر کلیسا می‌باید مردی متأهل باشد.
پیر کلیسا امکان دارد مردی مجرد باشد. اما اگر مرد متأهل می‌باشد، باید فقط شوهر یک زن باشد. این شرط این تعلیم را نیز نمی‌دهد که پیر کلیسا هرگز ممکن نیست که برای بار دوم ازدواج کند. اگر زن اول بمیرد، او می‌تواند دوباره ازدواج کند، اما فقط با یک ایماندار (اول قرنتیان ۷: ۳۹). این شرط تعلیم می‌دهد که پیر کلیسا باید نمونه و الگوی وفاداری کامل به زن خود، یعنی تنها زن خود، باشد. او تحت هیچ شرایطی نباید درگیر چند زنی، معشوقه یا صیغه (متعه) داشتن، زنا یا فساد جنسی گردد که شامل لاس زدن با زنان دیگر می‌گردد. خدا از عمل لاس زدن با مرد یا زن مجرد متنفر و بیزار است، چرا که در واقع تظاهر به مهرورزی (عشقبازی) و محبت در یک جو ریاکارانه، خودخواهانه و عدم خویشتنداری می‌باشد (پیدایش ۳: ۱- ٥ ؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۱- ۲ ؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱- ٦).

پ) خدمت رهبری در کلیسا بعد از طلاق
این سؤال که آیا شخصی که قبلاً طلاق گرفته، می‌تواند به مقام رهبری انتخاب و منصوب گردد بستگی به دیدگاه کلیسا درباره «ازدواج مجدد بعد از طلاق» دارد. بعضی از رهبران معتقد هستند شخصی که قبلاً طلاق گرفته است، هرگز نباید خدمت و مسئولیت رهبری را در دست گیرد. دسته‌ای دیگر از رهبران مسیحی معتقدند اگر یک مرد قربانی بی‌گناه یک طلاق بود و از هر جهت دیگر شایسته است، در اینصورت می‌توان او را به خدمت رهبری منصوب نمود. اکثر رهبران مسیحی در این مورد هم‌رأی می‌باشند که مردی که در طلاق مقصر است نباید به خدمت رهبری منصوب گردد.
با وجود این، بعضی از رهبران مسیحی می‌گویند اگر شخصی که در طلاق مقصر است، برای سالها ثابت کند که از گناه خود توبه کرده است، و زندگی‌اش عوض شده است، می‌توان دوباره او را به خدمت رهبری در کلیسا منصوب کرد. آنها بر رحمت خدا نسبت به زناکار توبه‌کار تأکید می‌نمایند. کتاب مقدس به موضوع انجام خدمت رهبری بعد از طلاق نمی‌پردازد. بنابراین پیران هر کلیسای محلی می‌باید درباره این موضوع تصمیم نهائی را اتخاذ نمایند و اعضای کلیسا می‌باید به تصمیم آنها احترام بگذارند.

٥	دعا (۸ دقیقه) **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
به رهبران مسیحی تعلیم دهید که کتاب‌مقدس در باره طلاق و ازدواج مجدد چه تعلیم می‌دهد. مسیحیان را تشویق کنید که به یگانه همسر خود وفادار باشند و از هر گونه فساد اخلاقی و طلاق نفرت نمایند.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " طلاق و ازدواج مجدد " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از نامه اول یوحنا ٤- ٥ و دوم یوحنا و سوم یوحنا را بخوانید. از روش حقیقت محبوب یا روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - هر روز مجموعه "والدین مسیحی" را مرور کنید.
٥ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۹) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.